

سلسله مباحث ولایت فقیه (۴)

فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه

«از قرن چهارم تا سیزدهم ه. ق»

جلد اول

محمد علی قاسمی و همکاران

(پژوهشگران دانشگاه علوم اسلامی رضوی)

زیر نظر

صادق لاریجانی

قاسمی، محمد علی
 فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه (از قرن چهارم تا سیزدهم ه. ق.) / محمد علی قاسمی
 و همکاران، زیر نظر صادق لاریجانی. -- مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴.
 ج ۲. -- (سلسله مباحث ولایت فقیه: ۴)

ISBN: 964 - 7673-23-x (جلد اول)

ISBN 5 Vol set 964-7673-01-9

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیما.

کتاب‌نامه: ص ۱۱۰۱ - ۱۱۰۷

۱. ولایت فقیه. ۲. فقیهان شیعه -- نظریه درباره ولایت فقیه. الف. دانشگاه علوم اسلامی
 رضوی. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۴۵

ف ۲۳/۸/ق ۲۲۳ BP

۸۴ - ۱۶۶۹۰

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه / ج ۱
 نویسنده: محمد علی قاسمی و همکاران
 زیر نظر: صادق لاریجانی
 ویراستار عربی: قاسم نوری
 ویراستار فارسی: محمد ربیع میرزایی
 طراح جلد: جواد سعیدی
 ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی
 چاپ و صحافی: مؤسسه فرهنگی قدس
 چاپ اول: ۱۳۸۴
 شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 قیمت دوره: ۸۰۰۰۰ ریال

مرکز توزیع: مشهد مقدس، حرم مطهر، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی

صندوق پستی ۱۱۹۳ - ۹۱۷۳۵، تلفن و دورنگار ۲۲۳۶۸۱۷ - ۵۱۱

E-mail: razavi_pj@imamreza.net

حق چاپ محفوظ است

فهرست

پیش گفتار ۳۱

مقدمه ۳۷

فصل اول: واژگان و دلایل عمومی

مبحث اول: بررسی واژگان ۴۷

۱. حاکم ۴۷

۲. امام ۵۰

۳. فقیه ۵۱

۴. سلطان ۵۳

۵. ناظر ۵۶

۶. نائب الغیبة ۵۹

۷. والی ۶۰

مبحث دوم: دلایل عمومی ولایت فقیه از منظر فقیهان ۶۱

۱. نصب فقیه ۶۲
۲. نیابت از امام ۶۶
۳. وکالت از امام ۶۸
۴. ولایت ۶۹
۵. ولایت بر ممتنع ۷۴
۶. ولایت بر غایب ۷۶
۷. نظارت ۷۹
۸. آگاهی بیشتر ۸۰
۹. وکالت و نیابت از مالک ۸۲

فصل دوم: عرصه‌های ولایت فقیه در باب‌های مختلف

۱. کتاب طهارت ۸۷
۱. امور میت ۸۷
- الف. امام و سرپرستی امور میت، در نبود ولی (۴) ۸۷
- ب. حاکم و به عهده گرفتن نماز میت، در نبود ولی (۶) ۸۸
- ج. اولویت امام الملة برای امامت نماز میت (۱) ۸۹
- د. حاکم و اقامه نماز جماعت بر میت یا اذن به آن، در صورت امتناع ولی از اجازه (۳) ۸۹
- ه. تقدم فقیه از اولیا، در صورت تنازع آنها برای امامت نماز میت (۶) ۹۰
- و. رجوع به حاکم، در صورت تعارض اولیای میت یا شریکان در تعیین قبله (۱) ۹۱
۲. طهارت بدن ۹۱
- الف. سلطان و الزام شخص به جدا کردن اعضای دارای حیات الصاق شده به بدن (۴) ۹۱
- ب. سلطان و الزام شخص به جدا کردن استخوان حیوان نجس العین از بدن (۸) ۹۲
۳. تطهیر اماکن ۹۴
- الف. لزوم اذن از حاکم برای جدا کردن آب غصبی، در صورت ممکن نبودن اجازه از مالک (۱) ۹۴

- ب. حاکم و اجبار شخص به تطهیر اماکن متبرکه (۲)..... ۹۴
- ج. مجتهد و اجبار شریک به مشارکت در تطهیر چاه و در صورت امتناع، تعیین اجیر از اموال وی (۳)..... ۹۵
- د. حاکم و اجبار اقوام و همسالان به بیان اوصاف خود، برای تعیین وضعیت مضطربه (۱)..... ۹۶
- ه. حاکم و اجبار مضطربه به تعیین زمان حیض (۱)..... ۹۶
۲. کتاب صلات..... ۹۷
۱. اقامه شعائر..... ۹۷
- الف. حاکم و استحباب نصب مؤذن عادل (۱)..... ۹۷
- ب. امام و اجبار مردم بر اقامه اذان (۲)..... ۹۷
- ج. جواز دریافت رزق از سلطان اسلام یا نایب وی، برای اذان (۲)..... ۹۸
- د. حاکم و تعیین میزان ارتزاق مؤذن از بیت المال (۵)..... ۹۸
- ه. امام و پرداخت هزینه تعلیم فرایض به کودک، در صورت فقر وی و پدرش (۱)..... ۹۹
- و. فقیهان و جواز اقامه نمازها به جماعت با مردم (۴)..... ۱۰۰
- ز. امام و استحباب برگزاری نماز استسقا (۶)..... ۱۰۰
- ح. نماز عیدین و شرطیت حضور سلطان عادل در وجوب آن (۲)..... ۱۰۱
- ط. مجتهد و اجبار متعهد به در اختیار گذاشتن مکان برای اقامه نماز، در صورت التزام به آن (۱)..... ۱۰۲
۲. نماز جمعه..... ۱۰۲
- الف. نماز جمعه و شرطیت حضور امام عادل یا منصوب وی (۲۰)..... ۱۰۲
- ب. تقدّم امام یا مأمور وی برای اقامه نماز جمعه (۱)..... ۱۰۶
- ج. لزوم اذن از امام برای امامت نماز جمعه (۳)..... ۱۰۷
- د. کفایت حضور نایب عام امام برای اقامه نماز جمعه (۲)..... ۱۰۷
- ه. فقیهان و جواز اقامه نماز جمعه در عصر غیبت (۷)..... ۱۰۸
- و. فقدان مشروعیت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت، در صورت حاضر نبودن فقیه

- جامع الشرایط (۱) ۱۱۰
- ز. حاکم و لزوم حاضر کردن زندانیان بدهکار برای اقامه نماز جمعه و عید (۳) ۱۱۱
۳. نماز جماعت ۱۱۱
- الف. اولویت امام المله یا منصوب وی برای امامت جماعت (۴) ۱۱۱
- ب. اولویت سلطان حق یا نایب او بر صاحب منزل، در به عهده گرفتن امامت جماعت (۲) ۱۱۲
- ج. اولویت امیر در به عهده گرفتن امامت جماعت مسجد (۳) ۱۱۲
- د. تقدم فقیه، در صورت اختلاف اشخاص برای امامت جماعت (۳) ۱۱۳
- ه. مجتهد و ترجیح یکی از دو شخص برای اقامه نماز در زمین‌های عمومی، در صورت اختلاف در تقدم (۱) ۱۱۳
۳. کتاب زکات ۱۱۵
۱. پرداخت زکات ۱۱۵
- الف. وجوب پرداخت زکات به فقیه (۳۴) ۱۱۵
- ب. وجوب تحویل زکات به امام، در صورت امر وی (۷) ۱۲۲
- ج. وجوب پرداخت زکات به فقیه برای مصرف آن، در صورت نشناختن مستحق (۲) ۱۲۴
- د. صحیح نبودن پرداخت زکات، در صورت تحویل آن به فقیران توسط مالک و درخواست امام برای تحویل به ایشان (۳) ۱۲۵
- ه. فقیه و امر مالک به یت در هنگام تحویل زکات (۱) ۱۲۵
- و. اشتراط تراضی امام یا وکیل خاص یا عام وی و مالک برای تبدیل زکات در برخی از فروض (۳) ۱۲۶
- ز. ولایت فقیه بر فقیران و لازم نبودن یت در هنگام پرداخت زکات به ایشان (۹) ۱۲۶
- ح. برائت ذمه مالک زکات، پس از پرداخت آن به فقیه (۸) ۱۲۹
- ط. ضمان نبودن امام یا نایب عام یا وکیل وی، در صورت از بین رفتن زکات (۱) ۱۳۱
۲. اخذ زکات ۱۳۱
- الف. امام و فرستادن عامل برای حفاظت از غلات و میوه‌ها بعد از تعلق زکات به

- آنها (۳) ۱۳۱
- ب. اختیار حاکم در ملاحظه عدالت برای تعیین عامل، در صورت پرداخت حق الزحمه
وی از طریق جعاله یا اجاره (۱) ۱۳۲
- ج. عامل و دریافت سهم از زکات، در صورت نصب وی توسط حاکم (۴) ۱۳۲
- د. امام و تعیین چگونگی پرداخت حق الزحمه ساعی (۹) ۱۳۳
- ه. امام و تعیین میزان حق الزحمه ساعی (۳) ۱۳۵
- و. حاکم و اخذ حقوق واجب، در صورت امتناع مالک از پرداخت آن (۴) ۱۳۵
- ز. امام و اخذ زکات، در صورت امتناع مالک از پرداخت آن (۶) ۱۳۶
- ح. مجتهد یا نایب وی و تعیین وضعیت نصاب شتر برای اخذ زکات، در صورت غیبت
امام (۱) ۱۳۸
- ط. امام و تیت پرداخت زکات از طرف مالک ممتنع (۱) ۱۳۸
- ی. حاکم و پرداخت زکات اموال میت، در صورت امتناع وارث (۳) ۱۳۸
- ک. امام یا قائم مقام وی و اخذ زکات از اموال مرتکب فطری، در صورت ارتداد بعد از
تعلق زکات به اموال وی (۴) ۱۳۹
- ل. امام و اخذ زکات از اموال کودک (۴) ۱۴۰
- م. حاکم و اجبار اولیای مجنون به پرداخت دیون مالی وی (۱) ۱۴۱
۳. مصرف زکات ۱۴۱
- الف. فقیهان و صرف زکات در مستحقان آن (۳) ۱۴۱
- ب. امام و پرداخت زکات به ابن سیل، برای بازگشت به وطن (۲) ۱۴۱
- ج. امام و مصرف زکات در سیل الله (۱) ۱۴۲
- د. امام و پرداخت زکات به زوج، برای ادای مهر زوجه (۱) ۱۴۲
- ه. ساعی و لزوم اذن از امام برای صرف زکات (۲) ۱۴۲
- و. حاکم و تعیین میزان پرداخت زکات به هر یک از اصناف (۱) ۱۴۳
- ز. امام و جواز بیع زکات برای توزیع آن بین مستحقان (۱) ۱۴۳
- ح. امام یا نایب وی و استرداد زکات، در صورت آشکار شدن عدم استحقاق
دریافت کننده آن (۱) ۱۴۳

- ط. باز گرداندن زکات به حاکم، در صورت زیاد آمدن یا مصرف آن در غیر مورد نیاز
 ۱۴۴..... و ممکن نبودن تحویل آن به مالک (۳)
- ی. مجتهد و جواز قرض برای مصارف عمومی و ادای آن از محل دریافت صدقات (۱) ۱۴۴
۴. زکات فطره..... ۱۴۵
- الف. وجوب تحویل زکات فطره به فقیه امین (۲۲)..... ۱۴۵
- ب. فقیهان و صرف زکات فطره در مستحقان آن (۵)..... ۱۴۸
۴. کتاب خمس..... ۱۵۱
۱. پرداخت خمس..... ۱۵۱
- الف. وجوب تحویل خمس به فقیه امین (۱۰)..... ۱۵۱
- ب. نایب عام و جواز تبدیل اعیان متعلق خمس (۱)..... ۱۵۴
- ج. لزوم پرداخت خمس غنائم، در صورت انجام جنگ با اذن امام یا منصوب وی (۱)..... ۱۵۴
- د. حاکم و تحویل گنج به وی، در صورت داشتن نشانه‌های اسلام (۱)..... ۱۵۴
- ه. حاکم و اخذ خمس از زمین خریده شده توسط ذمی از مسلمان (۳)..... ۱۵۴
- و. حاکم و فسخ معامله زمین، در صورت نپرداختن خمس آن توسط ذمی (۱)..... ۱۵۵
- ز. حاکم شرع و وجوب رهایی اموال سادات و فقیران از دست ظالم (۱)..... ۱۵۵
۲. مصرف خمس..... ۱۵۶
- الف. «من الیه الحکم» و به عهده گرفتن صرف سهم امام در اصناف موجود (۱۴)..... ۱۵۶
- ب. مصرف اموال مختص به امام توسط نایب وی در عصر غیبت (۳)..... ۱۵۹
- ج. امام و پرداخت سهم سادات، به قدر نیاز آنان (۱۰)..... ۱۶۰
- د. تصرف در انفال، با اذن امام عادل (۱)..... ۱۶۳
- ه. فقیه و وجوب تقسیم خمس اموالی نظیر غنیمت بر تمام افراد (۱)..... ۱۶۳
- و. امام و واگذار کردن زمین تازه مسلمان به دیگری، در صورت احیا نکردن آن (۱)..... ۱۶۳
- ز. امام و اجاره دادن زمین کافری که با اجبار، مسلمان شده (۱)..... ۱۶۳
- ح. لزوم اذن از نایب عام برای صدقه دادن مال، در صورت مشخص بودن مقدار و
 مجهول بودن مالک (۲)..... ۱۶۴

- ط. حاکم شرع و پرداخت خمس به عبد، در صورت اضطرار وی (۱)..... ۱۶۴
۵. کتاب صوم..... ۱۶۵
- احکام روزه..... ۱۶۵
- الف. پذیرفتن نظر حاکم شرع در ثبوت هلال ماه (۵)..... ۱۶۵
- ب. حاکم و گرفتن اجیر از مال میت، برای قضا کردن روزه‌های وی (۱)..... ۱۶۶
- ج. استحباب تحویل کفاره به مجتهد (۲)..... ۱۶۶
۶. کتاب اعتکاف..... ۱۶۷
- احکام اعتکاف..... ۱۶۷
- الف. حاکم و جواز اخراج معتکف متمکن از مسجد برای ادای دیونش (۱)..... ۱۶۷
- ب. تعیین مسجد جامع با حکم حاکم، برای اعتکاف (۱)..... ۱۶۷
۷. کتاب حج..... ۱۶۹
۱. حج و زیارت..... ۱۶۹
- الف. امام و اجبار مردم بر انجام حج و زیارت پیامبر ﷺ (۲۴)..... ۱۶۹
- ب. امام و جواز پرداخت هزینه سفر حج و زیارت پیامبر ﷺ از بیت‌المال، در صورت استطاعت نداشتن (۱)..... ۱۷۴
- ج. حاکم و جواز احرام از طرف کودک (۲)..... ۱۷۵
- د. حاکم و قضای حج از طرف مستطیع، در صورت وفات وی قبل از احرام (۱)..... ۱۷۵
- ه. حاکم و جواز اقاله نیابت برای انجام حج، در صورت رضایت طرفین (۱)..... ۱۷۵
۲. محرمات احرام..... ۱۷۶
- الف. لزوم تحویل صید به حاکم با تعذر مالک، در صورت ودیعه یا عاریه بودن آن در نزد وی، هنگام محرم شدن (۴)..... ۱۷۶
- ب. لزوم جنگ با مسلمان منع کننده از حج، در صورت امر امام یا نایب وی (۱)..... ۱۷۶
- ج. اذن از حاکم برای خرید جایگزین قربانی، در صورت تلف شدن آن در اثر کوتاهی (۱)..... ۱۷۷

۸. کتاب جهاد ۱۷۹
۱. اهل ذمه ۱۷۹
- الف. امام یا منصوب وی و پذیرفتن ذمه (۱۰) ۱۷۹
- ب. امام و تعیین شرایط در عقد ذمه (۲) ۱۸۲
- ج. امام و تعیین مقدار جزیه (۲۱) ۱۸۲
- د. تحویل جزیه به امام یا منصوب عام وی (۱) ۱۸۵
- ه. امام و تعیین موارد مصرف جزیه (۲) ۱۸۶
- و. والی و تخریب معابد اهل کفر، در صورت ساخت آنها پس از انعقاد عقد ذمه (۱) ۱۸۶
۲. جهاد ۱۸۷
- الف. مشروع نبودن جهاد، بدون امر امام یا منصوب وی (۱۱) ۱۸۷
- ب. نیابت مجتهد از امام، برای به عهده گرفتن امر دفاع در برابر متجاوزان (۳) ۱۸۹
- ج. سلطان جهاد و تعیین فقیه برای امارت (۱) ۱۹۰
- د. امام و پرداخت هزینه‌های جنگ از بیت‌المال (۲) ۱۹۱
- ه. لزوم حضور شخص در جهاد، در صورت الزام ناظر بر امور مسلمین (۲) ۱۹۱
- و. لزوم اذن از سلطان جهاد برای پناه دادن به کافر (۱) ۱۹۱
- ز. لزوم اذن از سلطان جهاد برای به مبارزه طلبیدن کافر (۲) ۱۹۱
۳. اسرا ۱۹۲
- الف. امام و تعیین نوع قتل اسیر شدگان در هنگام جنگ (۱۰) ۱۹۲
- ب. امام و تعیین وضعیت اسیر شدگان، بعد از پایان جنگ (۱۳) ۱۹۴
- ج. امام و جواز امان دادن به اسیر (۱) ۱۹۶
- د. لزوم اذن از امام برای کشتن اسیر (۱) ۱۹۷
- ه. امام و توقیف پیک دشمن، در صورت جاسوسی (۱) ۱۹۷
۴. غنائم ۱۹۷
- الف. مالکیت امام بر غنیمت بدون جنگ (۱) ۱۹۷
- ب. مالکیت امام بر غنیمت جنگ بدون اذن (۱) ۱۹۷
- ج. امام و تقسیم غنائم (۳) ۱۹۷

- د. امام و جواز فروش مقداری از غنایم، قبل از تقسیم آن (۱)..... ۱۹۹
۵. صلح..... ۱۹۹
- الف. امام یا مأذون وی و انعقاد صلح (۱۵)..... ۱۹۹
- ب. امام و تعیین مدت صلح (۱)..... ۲۰۲
- ج. امام یا منصوب وی و تنظیم معاهده (۳)..... ۲۰۲
- د. سلطان اسلام و تعیین مقدار زمین برای مصالحه با کفار (۱)..... ۲۰۳
- ه. مجتهدان و به عهده گرفتن امر تحکیم و قبول آن (۱)..... ۲۰۳
۶. امان..... ۲۰۳
- الف. امام و انجام عقد امان (۴)..... ۲۰۳
- ب. ابطال امان نامه مشرک، در صورت خروج از کشور، بدون اذن امام یا منصوب وی (۱)..... ۲۰۴
- ج. امام و ممانعت امان دهنده از نقض عقد امان (۱)..... ۲۰۵
- د. اختیار امام در تعیین نوع مجازات نقض کننده عقد امان (۲)..... ۲۰۵
- ه. مالکیت امام بر اموال کافر پناهنده، پس از مرگ وی (۱)..... ۲۰۵
- و. لزوم اذن از امام برای ورود حربی به سرزمین حجاز (۱)..... ۲۰۵
- ز. لزوم اذن از امام برای ورود حربی به دار اسلام (۶)..... ۲۰۶
- ح. امام و تعیین مکان اسکان مشرکان مهمان (۱)..... ۲۰۷
۷. اهل بنی..... ۲۰۷
- الف. وجوب جهاد با قیام کنندگان علیه امام عادل (۹)..... ۲۰۷
- ب. وجوب جهاد با اهل بنی، در صورت امر امام (۷)..... ۲۰۹
- ج. سلطان اسلام و دعوت محاربان به زمین گذاشتن اسلحه (۱)..... ۲۱۰
- د. وجوب جهاد با منع کنندگان حج، در صورت امر امام یا منصوب وی (۱)..... ۲۱۰
۹. کتاب امر به معروف و نهی از منکر..... ۲۱۱
۱. قتل و جرح در امر به معروف و نهی از منکر..... ۲۱۱
- الف. لزوم اذن از سلطان زمان برای قتل و جرح در نهی از منکر (۹)..... ۲۱۱

- ب. فقیه و جواز قتل و جرح در امر به معروف و نهی از منکر و لزوم کمک مردم به وی (۴) ۲۱۳
۲. اقامه حدود ۲۱۴
- الف. فقیهان و اجرای حدود (۳۶) ۲۱۴
- ب. لزوم دارا بودن شرایط حکم برای اجرای حدود، مگر در اجرای حد توسط مولی بر مملوک (۱) ۲۲۳
۱۰. کتاب تجارت ۲۲۵
۱. جوائز و پذیرش مسئولیت از سلطان عادل ۲۲۵
- الف. جواز پذیرش مسئولیت از طرف سلطان عادل (۶) ۲۲۵
- ب. جواز تصرف حاکم شرع در بیت‌المال تحت حاکمیت سلطان (۲) ۲۲۷
۲. احتکار ۲۲۷
- سلطان و اجبار محتکر به فروش اجناس همراه با تعیین قیمت منصفانه (۱۴) ۲۲۷
۳. ولایت بر فروش ۲۳۰
- الف. حاکم یا امین وی و جواز فروش مال دیگری در بعضی موارد (۱۲) ۲۳۰
- ب. حاکم یا امین وی و جواز فروش اموال محجوران (۷) ۲۳۲
- ج. حاکم یا امین وی و جواز فروش اموال غایب (۶) ۲۳۴
- د. لزوم مراجعه به حاکم برای تقاضای اموال غایب (۳) ۲۳۶
- ه. حاکم و اجبار کافر به فروش عبد مسلمان (۲) ۲۳۶
- و. حاکم و فروش اموال کافر در موارد وجوب فروش آن و امتناع وی (۳) ۲۳۷
- ز. حاکم و جواز اکراه مالک به فروش اموال، در موارد امتناع (۷) ۲۳۸
- ح. فقیه و اختیار وی نسبت به بعضی از اموال، مانند زکات و ممنوعیت معامله دیگران بر آنها (۱) ۲۳۹
- ط. مراجعه به امام برای دریافت ثمن، در صورت آشکار شدن مالکیت مسلمان بر غنیمت (۱) ۲۳۹
- ی. حاکم یا ولی و استفاده از خیار مجلس، در صورت دیوانه یا بیهوش شدن یکی از

- متعاقدين (۲)..... ۲۴۰
- ک. لزوم اجازه از حاکم شرع برای صحت بيع مرتد ملّی (۱)..... ۲۴۰
- ل. حاکم و تعيين قيمت مبيع، در صورت فقدان مقوم یا تفاوت قيمت‌ها (۱)..... ۲۴۰
۴. امتناع بايع..... ۲۴۱
- الف. تحويل ثمن به حاکم، در صورت امتناع بايع از دریافت آن (۱۱)..... ۲۴۱
- ب. حاکم و اجبار بايع به تحويل مبيع، قبل از دریافت ثمن (۵)..... ۲۴۴
- ج. حاکم و اجبار بايع و خريدار به تحويل ثمن و مثن (۹)..... ۲۴۵
- د. حاکم و تعيين شخصی برای قبض مبيع، در صورت امتناع شريك از اذن به قبض آن توسط مشتری (۳)..... ۲۴۷
- ه. حاکم و تحويل مبيع در بيع سلم از اموال بايع به مشتری، در صورت تعذر تسليم آن توسط بايع (۱)..... ۲۴۸
- و. حاکم و اجبار مشروط عليه در بيع به انجام شرط (۵)..... ۲۴۸
- ز. حاکم و فسخ بيع، هنگام مخلوط شدن مبيع با اموال بايع (۲)..... ۲۵۰
۵. امتناع مشتری..... ۲۵۰
- الف. حاکم و اجبار مشتری به دریافت مبيع و در صورت امتناع، تعيين شخصی برای قبض آن (۲)..... ۲۵۰
- ب. امام یا نائب وی و قبض مبيع در بيع سلم، هنگام امتناع مشتری از دریافت آن (۱۳)..... ۲۵۱
- ج. مراجعه به حاکم، در صورت امتناع مشتری از برداشت محصول از زمین بايع (۳)..... ۲۵۴
- د. حاکم و ادای ثمن از اموال مشتری یا با فروش مبيع به بايع، در صورت فرار مشتری (۶)..... ۲۵۵
- ه. حاکم و اجبار مشتری به پرداخت هزینه‌های مبيع، در موارد جواز حبس آن توسط بايع (۲)..... ۲۵۶
- و. حاکم و نصب امين برای وزن یا کيل مبيع، در صورت اختلاف بايع و مشتری (۱)..... ۲۵۶
- ز. حاکم و فسخ بيع ناقل، در صورت امکان فسخ و امتناع مشتری در خيار غبن (۳)..... ۲۵۷
- ح. کفایت امکان رد ثمن به حاکم، برای فسخ بيع (۱)..... ۲۵۷
- ط. حاکم و امر به مشتری برای باز گرداندن مبيع، در صورت آشکار شدن مالکيت

- دیگری بر آن (۲) ۲۵۸
۶. کنیز سرقتی ۲۵۹
- الف. اعلام وجود کنیز سرقتی از ارض صلح به حاکم مسلمین، برای یافتن صاحب آن (۴) ۲۵۹
- ب. تحویل کنیز سرقتی از ارض صلح به حاکم، در صورت وفات بایع و نبود وارث (۸) ۲۶۰
۱۱. کتاب دین ۲۶۳
۱. پرداخت دین بدهکار ۲۶۳
- الف. امام و پرداخت دین از سهم غارمان، هنگام اسعار بدهکار (۷) ۲۶۳
- ب. حاکم و پرداخت دین بدهکار غایب (۲) ۲۶۵
۲. اجبار بدهکار به پرداخت دین ۲۶۵
- الف. حاکم و حبس و اجبار بدهکار به پرداخت دین (۱۸) ۲۶۵
- ب. حاکم و حبس بدهکاریا فروش اموال وی، در صورت امتناع از پرداخت دین (۱۷) ۲۶۹
- ج. سلطان و تعزیر بدهکار متمکن تا زمان پرداخت دین (۸) ۲۷۲
- د. حاکم و فروش اموال بدهکار متمکن (۱۳) ۲۷۳
- ه. حاکم و جواز حبس بدهکار تا زمان روشن شدن وضعیت وی (۳) ۲۷۶
۳. دریافت دین ۲۷۶
- الف. حاکم و پذیرش دین، در صورت امتناع طلبکار از دریافت آن (۱۰) ۲۷۶
- ب. تحویل دین به حاکم، در صورت وفات طلبکار و نیافتن وارث (۵) ۲۷۹
- ج. استجباب مراجعه به حاکم برای صدقه دادن دین، در صورت ناامیدی از یافتن طلبکار (۵) ۲۸۰
- د. جواز تحویل دین به مجتهد، در صورت امتناع طلبکار از پرداخت حقوق واجب خود (۱) ۲۸۱
۱۲. کتاب رهن ۲۸۳
۱. رهن مشاع ۲۸۳
- الف. حاکم و تعیین امین برای تحویل رهن به وی، در صورت اختلاف شریک

و مرتهن (۱۰).....	۲۸۳
ب. حاکم و اجاره دادن رهن مشاع، هنگام اختلاف مرتهن و شریک (۱۲).....	۲۸۵
۲. هزینه‌های رهن.....	۲۸۸
الف. لزوم اذن از حاکم برای پرداخت هزینه‌های رهن توسط مرتهن، در صورت غیبت راهن (۸).....	۲۸۸
ب. حاکم و فروش بخشی از میوه‌های مرهونه درخت، برای مخارج آبیاری و سایر هزینه‌های آن (۲).....	۲۸۹
ج. حاکم و فروش رهن یا امر به آن، در صورت امکان فاسد شدن رهن، قبل از موعد و امتناع راهن از فروش آن (۴).....	۲۹۰
۳. تعیین امین برای نگهداری رهن.....	۲۹۱
الف. حاکم و تعیین امین برای تحویل رهن به وی، در صورت اختلاف راهن و مرتهن (۳).....	۲۹۱
ب. حاکم و تعیین امین برای تحویل رهن به وی، در صورت اختلاف راهن و وارث مرتهن (۱۵).....	۲۹۲
ج. حاکم و تعیین امین برای تحویل رهن به وی، در صورت مخفی شدن یا امتناع راهن و مرتهن از دریافت آن از عادل (۲).....	۲۹۴
د. حاکم و تعیین امین برای تحویل رهن به وی، در صورت تغییر حال عادل یا وفات وی و اختلاف راهن و مرتهن (۱۴).....	۲۹۵
ه. تعیین امین توسط حاکم و ضمیمه وی به مرتهن، برای حفظ رهن، در صورت تعدد مرتهن و وفات یکی از آنها (۳).....	۲۹۸
و. حاکم و تعیین وضعیت مرتهن، در صورت ادعای صلاحیت نداشتن وی توسط راهن و تحویل آن به ثقه، در صورت اثبات تغییر حال وی (۴).....	۲۹۸
ز. حاکم و تعیین وضعیت عادل، در صورت اختلاف راهن و مرتهن در تغییر حال وی (۸).....	۲۹۹
ح. حاکم و تعیین وضعیت رهن، در صورت عزل عادل از طرف راهن یا مرتهن (۲).....	۳۰۰
۴. دریافت رهن از عادل.....	۳۰۱

- الف. حاکم و الزام رهن و مرتهن به دریافت رهن از عادل و یا قبض آن (۶)..... ۳۰۱
- ب. حاکم و دریافت رهن از عادل، در صورت مخفی شدن رهن و مرتهن (۶)..... ۳۰۲
- ج. عادل و تحویل رهن به حاکم، در صورت وجود عذر و غیبت رهن و مرتهن (۱۲)..... ۳۰۳
۵. استیفای دین از رهن ۳۰۶
- الف. حبس و تعزیر رهن تا زمان فروش رهن یا فروش آن توسط حاکم (۱۴)..... ۳۰۶
- ب. حاکم و فروش رهن، در صورت غیبت یا امتناع رهن (۹)..... ۳۰۹
- ج. حاکم و فروش رهن، در صورت اعسار رهن (۴)..... ۳۱۱
- د. حاکم و الزام مرتهن به فروش رهن، در صورت مطالبه رهن (۲)..... ۳۱۲
- ه. حاکم و نصب امین برای فروش رهن، در صورت امتناع وارث رهن از ادای دین (۴)..... ۳۱۳
- و. لزوم اذن از حاکم برای فروش رهن توسط مرتهن (۵)..... ۳۱۳
- ز. حاکم و اجاره دادن رهن دارای نفع، در صورت اختلاف رهن و مرتهن (۴)..... ۳۱۴
- ح. مراجعه به حاکم، در صورت امتناع رهن از ازاله درختان غرس شده، بدون اذن مرتهن (۱)..... ۳۱۵
- ط. حاکم و تعیین نوع ثمن در فروش رهن، در صورت اختلاف رهن و مرتهن (۱۱)..... ۳۱۵
- ی. حاکم و الزام رهن به آزاد کردن رهن، در صورت تقاضای مالک (۱)..... ۳۱۷
۱۳. کتاب مفلس ۳۱۹
۱. بدهکار ورشکسته ۳۱۹
- الف. حاکم و صدور حکم محجوریت مفلس، بدون نیاز به درخواست طلبکاران، در صورت مجنون یا یتیم بودن آنها (۸)..... ۳۱۹
- ب. حاکم و معرفی مفلس به مردم، برای اجتناب از معامله با وی (۳)..... ۳۲۱
- ج. حاکم و الزام طلبکار به رها کردن بدهکار معسر (۲)..... ۳۲۱
۲. اموال مفلس ۳۲۱
- الف. حاکم و فروش و تقسیم اموال زاید بر امور ضروری مفلس، در صورت امتناع وی (۱۵)..... ۳۲۱

- ب. حاکم و تعیین فروشنده اموال، در صورت اختلاف مفلس و طلبکاران (۱۲)..... ۳۲۵
- ج. حاکم و تعیین شخصی برای ودیعه گذاشتن اموال مفلس در نزد وی، در صورت اختلاف مفلس و طلبکاران (۱)..... ۳۲۷
- د. دخالت حاکم در اجاره زمین یا حیوان برای پرداخت بدهی‌های مستاجر مفلس، در صورت امتناع از فسخ اجاره (۴)..... ۳۲۸
- ه. تحویل حیوان اجاره شده توسط مفلس به حاکم (۲)..... ۳۲۹
- و. حاکم و پرداخت مخارج مفلس و عیالش از راه فروش اموال وی تا روز تقسیم اموالش (۱)..... ۳۲۹
- ز. لزوم اذن از حاکم، برای شریک شدن مفلس و سفیه با دیگری (۲)..... ۳۳۰
۱۴. کتاب حجر..... ۳۳۱
۱. صدور حکم حجر..... ۳۳۱
- الف. لزوم حکم حاکم برای محجور شدن مفلس (۲۰)..... ۳۳۱
- ب. لزوم حکم حاکم برای محجور شدن سفیه و زوال حجر وی (۱۶)..... ۳۳۴
- ج. حاکم و شهادت گرفتن بر حجر سفیه، برای اجتناب از معامله با وی (۱)..... ۳۳۷
- د. حاکم و صدور حکم محجوریت برای مرتد (۷)..... ۳۳۷
- ه. حاکم و سرپرستی اموال، در موارد ایجاد حجر با حکم وی (۳)..... ۳۳۸
۲. ولایت بر کودک و مجنون و مرتد..... ۳۳۸
- الف. ولایت امام یا مأمور وی بر کودک و مجنون در بعضی موارد (۲۴)..... ۳۳۸
- ب. ولایت حاکم بر مجنون، در صورت عارض شدن جنون بعد از بلوغ و رشد (۱۳)..... ۳۴۴
- ج. حاکم و منع پدر از تصرف در امور کودک، در صورت صلاح نبودن دخالت وی (۲)..... ۳۴۶
- د. حاکم و قرض دادن اموال صغیر و یتیم، در صورت ضرورت (۴)..... ۳۴۶
- ه. حاکم و حفظ اموال مرتد ملی، در صورت پیوستن به دار حرب (۵)..... ۳۴۷
۳. ولایت بر مفلس و سفیه و غائب..... ۳۴۸
- الف. ولایت حاکم بر اموال مفلس (۶)..... ۳۴۸

- ب. ولایت حاکم بر اموال سفیه (۲۱) ۳۴۹
- ج. حاکم و حفظ اموال غایبان (۵) ۳۵۳
۱۵. کتاب ضمان ۳۵۵
- مضمون عنه ۳۵۵
- حاکم و بلوکه کردن اموال مضمون عنه (مدیون) به میزان دین، در صورت وفات وی (۱) ۳۵۵
۱۶. کتاب کفالت ۳۵۷
- کفیل ۳۵۷
- الف. امام و حبس کفیل تا زمان تحویل مکفول (من علیه الحق) به مکفول له (صاحب حق (۹) ۳۵۷
- ب. تحویل مکفول به حاکم، در صورت امتناع مکفول له از دریافت وی (۲) ۳۵۹
- ج. حاکم و احضار مکفول از حبس و رسیدگی به وضعیت وی، در صورت تقاضای کفیل (۱) ۳۶۰
۱۷. کتاب صلح ۳۶۱
- مصالحه ۳۶۱
- الف. سلطان و الزام مالک به برداشتن سدّ معبر؛ مانند رف و بالکن و... (۲) ۳۶۱
- ب. لزوم اذن از امام برای احداث بنا در راه عبور مسلمانان (۳) ۳۶۲
۱۸. کتاب شرکت ۳۶۵
۱. تقسیم مال مشاع ۳۶۵
- الف. حاکم و اجبار مالک به ادای سهم مالک دیگر، در صورت متمایز بودن اموال از یکدیگر (۵) ۳۶۵
- ب. دخالت حاکم برای تقسیم شیء بین شریکان (۴) ۳۶۶
- ج. حاکم و تعیین تقسیم کننده اموال مشترک (۲) ۳۶۷
- د. حاکم و اجاره مال مشاع، در صورت توافق نکردن مالکان و ممکن نبودن تقسیم

- آن (۲) ۳۶۷
۲. تنظیم روابط شرکاء ۳۶۸
- الف. حاکم و نصب امین برای قبض مال مشاع، در صورت اختلاف شریکان (۱) ۳۶۸
- ب. حاکم و اجاره دادن مال مشاع، در صورت اختلاف شریکان (۳) ۳۶۸
- ج. اجبار شریک به کمک یا اذن برای بازسازی مال مشترک و در صورت امتناع، اذن به انجام آن توسط حاکم (۲) ۳۶۹
- د. مخیر کردن شریک بین انفاق بر مال مشاع یا بیع آن یا راه مناسب دیگر و در صورت امتناع، انجام آن توسط حاکم (۱) ۳۷۰
- ه. حاکم و تعیین راه عبور، در صورت معین نبودن آن و غیبت شریکان یا وجود طفل در بین مالکان (۱) ۳۷۰
۱۹. کتاب مضاربه ۳۷۱
- عامل در مضاربه ۳۷۱
- الف. حاکم و فروش کالای خریداری شده توسط عامل، در صورت وفات وی (۶) ۳۷۱
- ب. حاکم و اجبار مالک به فروش کالای خریداری شده، در صورت فسخ عقد مضاربه (۱) ۳۷۲
۲۰. کتاب مزارعه ۳۷۳
- عامل در مزارعه ۳۷۳
- الف. حاکم و اجرای عقد مزارعه از مال عامل، در صورت وفات یا فرار وی (۱) ۳۷۳
- ب. حاکم و اجیر کردن شخصی از مال عامل برای اتمام مزارعه، در صورت وفات وی و امتناع وارث (۴) ۳۷۳
۲۱. کتاب مساقات ۳۷۵
- عامل در مساقات ۳۷۵
- الف. اجبار عامل به انتخاب اجیر، در صورت ضعیف یا عاجز شدن و در صورت امتناع، گرفتن اجیر توسط حاکم (۱) ۳۷۵
- ب. حاکم و تعیین چگونگی تأمین هزینه‌های مساقات، در صورت فرار عامل (۱۳) ۳۷۵

- ج. حاکم و اجیر گرفتن از اموال عامل برای اتمام مساقات، در صورت وفات وی و امتناع وارث (۷)..... ۳۷۹
۲۲. کتاب و دیعه..... ۳۸۱
۱. هزینه‌های و دیعه..... ۳۸۱
- الف. حاکم و الزام مودع به پرداخت هزینه‌های و دیعه به مستودع (۲)..... ۳۸۱
- ب. اذن مستودع از حاکم برای تأمین هزینه‌های و دیعه، در غیبت مودع (۲)..... ۳۸۲
- ج. نقش حاکم در تهیه هزینه‌های و دیعه، در صورت فقدان مالک و وکیل وی (۹)..... ۳۸۲
۲. دریافت و دیعه..... ۳۸۵
- الف. تحویل و دیعه به حاکم یا ولی، در صورت کودک یا مجنون بودن مودع (۱)..... ۳۸۵
- ب. تحویل و دیعه به امام عادل، در صورت نبود مالکیت یا صحیح نبودن و دیعه (۶)..... ۳۸۵
- ج. تحویل و دیعه به حاکم، در صورت وجود عذر و ممکن نبودن تسلیم آن به مالک (۲۵)..... ۳۸۶
- د. تحویل و دیعه به حاکم، در صورت وفات مودع و فقدان وارث یا ولی برای اطفال (۱)..... ۳۹۲
- ه. تحویل و دیعه به حاکم برای تقسیم آن، در صورت مخلوط شدن اموال مودع با مال غصبی (۳)..... ۳۹۲
- و. حاکم و وجوب دریافت و دیعه، در صورت تحویل به وی در موارد جواز (۷)..... ۳۹۳
- ز. حاکم و تعیین تکلیف و دیعه، در صورت ادعای دو نفر بر مالکیت آن (۱)..... ۳۹۵
- ح. حاکم و تقسیم و دیعه بین مالکان و دیعه، در صورت غیبت یکی از آنها (۱)..... ۳۹۵
۳. وفات مالک و دیعه..... ۳۹۶
- الف. تحویل و دیعه به حاکم، در صورت وفات مستودع و تعذر وارث (۴)..... ۳۹۶
- ب. تحویل و دیعه به حاکم، در صورت وفات مودع و وجوب حج بر وی و خوف امتناع وارث از ادای آن (۶)..... ۳۹۷
- ج. تحویل و دیعه به حاکم، در صورت محبوس یا سفیه شدن مالک (۱)..... ۳۹۹
۲۳. کتاب عاریه..... ۴۰۱

- ۴۰۱..... مستعیر در عاریه.....
- الف. حاکم و اجبار مستعیر به قلع درختان از زمین عاریه، بعد از پرداخت ارش به وی
- ۴۰۱..... توسط عاریه دهنده (۱).....
- ب. لزوم اذن از حاکم برای قلع مصنوعات مستعیر در زمین عاریه‌ای، در صورت فرار
- ۴۰۱..... وی (۱).....
- ۴۰۳..... ۲۴. کتاب اجاره.....
- ۴۰۳..... ۱. موجر و مستأجر.....
- ۴۰۳..... الف. مراجعه به حاکم، در صورت امتناع شریک از تسلیم مال به مستأجر (۲).....
- ب. مراجعه به حاکم در موارد جواز اجاره مال توسط مستأجر به دیگری و امتناع مالک
- ۴۰۳..... از اجازه (۱).....
- ۴۰۴..... ج. حاکم و فروش مال اجیر، در صورت فرار، برای انجام عمل از طرف وی (۴).....
- ۴۰۵..... د. حاکم و اجبار مستأجر به انجام شرط درباره زمان پرداخت اجاره (۱).....
- ۴۰۵..... ه. حاکم و اجبار مریض به پرداخت اجرت طیب (۱).....
- ۴۰۶..... ۲. مخارج حیوان کرایه شده.....
- ۴۰۶..... الف. پرداخت مخارج حیوان کرایه شده پس از آگاه کردن حاکم (۶).....
- ب. آگاه کردن حاکم برای پرداخت هزینه شتران توسط وی، در صورت فرار
- ۴۰۷..... شتران (۱).....
- ج. تحویل حیوان کرایه‌ای به حاکم، هنگام رسیدن به مقصد، در صورت فقدان وکیل
- ۴۰۸..... مالک (۱).....
- ۴۰۹..... ۲۵. کتاب وکالت.....
- ۴۰۹..... ۱. تعیین وکیل.....
- ۴۰۹..... الف. حاکم و تعیین وکیل برای سفیه (۱۴).....
- ب. حاکم و تعیین امین برای ضمیمه به وکلای متعدّد، در صورت غیبت یا وفات یکی
- ۴۱۲..... از وکلا و غیبت موکل (۲).....
- ۴۱۲..... ۲. اختلاف موکل و وکیل.....

- الف. حاکم و طلاق زن، در صورت انکار و کالت و کیل بر ازدواج توسط مرد (۴)..... ۴۱۲
 ب. حاکم و اجبار مدیون به پرداخت دین به وکیل طلبکار، در صورت تأیید و کالت
 وی (۱)..... ۴۱۳
 ج. حاکم و امر به صاحب جاریه برای فروش آن، در صورت اختلاف بین موکل و
 وکیل در اوصاف مورد و کالت (۴)..... ۴۱۳
۲۶. کتاب وقوف و صدقات..... ۴۱۷
۱. نظارت بر وقف..... ۴۱۷
- الف. نظارت حاکم بر وقف، بعد از وفات واقف یا ناظر (۵)..... ۴۱۷
 ب. نظارت حاکم بر وقف عام، در صورت تعیین نشدن ناظر توسط واقف (۱۲)..... ۴۱۸
 ج. نظارت حاکم بر وقف، در صورت نپذیرفتن یا انصراف ناظر معین شده توسط
 واقف (۳)..... ۴۲۱
 د. مجتهد و تعیین مؤذن و مقیم و امام جماعت برای مساجد، در صورت فقدان متولی
 خاص (۱)..... ۴۲۲
 ه. حاکم و اجبار بر تقسیم وقف، در صورت اختلاف و امتناع موقوف علیهم از
 حصول توافق (۱)..... ۴۲۲
 و. حاکم و تقسیم مال مشترک بین وقف و غیر آن، در صورت فقدان متولی (۲)..... ۴۲۲
۲. تعیین ناظر..... ۴۲۳
- الف. حاکم و تعیین امین برای نظارت بر وقف، در نبود ناظر در بین موقوف
 علیهم (۲)..... ۴۲۳
 ب. مجتهد و نظارت بر ناظر تعیین شده توسط واقف، در اوقاف عمومی (۱)..... ۴۲۳
 ج. حاکم و تعیین امین برای کمک به ناظر ضعیف (۱)..... ۴۲۴
 د. حاکم و تعویض ناظر فاسق (۵)..... ۴۲۴
 ه. حاکم و تعیین امین برای کمک به ناظر، در صورت فقدان یکی از آنها (۱)..... ۴۲۵
 و. حاکم و تعویض ناظر، در صورت امتناع از همکاری (۱)..... ۴۲۵
۳. قبض وقف..... ۴۲۵

- الف. حاکم و قبض وقف در نبود ناظر، در صورت وقف بر مصالح عمومی (۶)..... ۴۲۵
- ب. مجتهد یا نایب وی و قبض وقف بر امام (۱)..... ۴۲۶
- ج. حاکم و قبض وقف، در صورت وقف بر جهات عمومی (۷)..... ۴۲۷
- د. لزوم وقف مسجد یا مقبره، با قبض حاکم (۷)..... ۴۲۸
۴. تصرف در وقف..... ۴۳۰
- الف. لزوم اذن از حاکم برای روشن کردن چراغ مسجد، در صورت فقدان ناظر (۵)..... ۴۳۰
- ب. لزوم اذن از حاکم برای تصرف در موقوفات (۳)..... ۴۳۱
- ج. حاکم یا امین وی و اجاره دادن مورد وقف، در صورت فقدان ناظر (۵)..... ۴۳۲
- د. حاکم و فروش اموال مسجد، در صورت لزوم آن برای تأمین هزینه تعمیر آن یا مساجد دیگر (۶)..... ۴۳۲
- ه. ناظر بر مصالح دین و فسخ وقف بر معابد کفار (۲)..... ۴۳۴
- و. حاکم و تزویج کنیز وقف شده، در صورت وقف بر جهات عامه (۲)..... ۴۳۴
- ز. حاکم، ولی دم عبد موقوف (۳)..... ۴۳۵
۲۷. کتاب سکنی و حبس..... ۴۳۷
- سکنی..... ۴۳۷
- حاکم و به عهده گرفتن امور حبس، در صورت نقصان محبوس علیه و فقدان ولی اجباری و وصی (۱)..... ۴۳۷
۲۸. کتاب هبه..... ۴۳۹
- هدیه..... ۴۳۹
- الف. حاکم و نصب امین برای قبول مال هبه شده به کودک از طرف اولیای وی (غیر از پدر و جد) (۷)..... ۴۳۹
- ب. حاکم و نصب امین برای قبض مال مشاع هبه شده، در صورت اختلاف شریک و موهوب له (۹)..... ۴۴۰
- ج. لزوم اذن از حاکم برای قبض هبه، در صورت محجور شدن مالک قبل از آن (۱)..... ۴۴۳
۲۹. کتاب سبق و رمایه..... ۴۴۵

- جائزه مسابقه..... ۴۴۵
- الف. امام و جواز پرداخت جایزه مسابقه از بیت‌المال (۳)..... ۴۴۵
- ب. حکم حاکم به تحویل جایزه برنده مسابقه (۲)..... ۴۴۶
۳۰. کتاب وصایا..... ۴۴۷
۱. به عهده گرفتن امور میت..... ۴۴۷
- الف. فقیه و به عهده گرفتن امور میت، در صورت تعیین نشدن وصی (۱۳)..... ۴۴۷
- ب. حاکم و نظارت بر امور ورثه، در صورت وصیت نکردن میت (۹)..... ۴۵۰
- ج. فقیهان و اجرای وصیت، پس از مرگ وصی (۱۴)..... ۴۵۱
- د. حاکم و تصرف در ثلث مال، در صورت وصیت آن برای فقیران و فقدان وصی (۱)..... ۴۵۴
- ه. حاکم و تعیین اجیر برای انجام حج به نیابت از میت، در صورت فقدان وصی و وفات اجیر قبلی (۲)..... ۴۵۴
- و. حاکم و اجبار موصی له به پذیرش وصیت، در صورت ضرر رسیدن به مال با عدم پذیرش (۱)..... ۴۵۴
- ز. حاکم و قبول وصیت، در صورت وفات موصی له قبل از قبول و وفات موصی و فقدان وارث (۲)..... ۴۵۵
- ح. لزوم انجام انحصار ورثه توسط حاکم شرعی (۱)..... ۴۵۵
- ط. اختیار حاکم در مورد ترکه، در صورت ممکن نبودن تقسیم آن بر طلبکاران (۱)..... ۴۵۶
۲. تعیین امین..... ۴۵۶
- الف. ناظر بر امور مسلمین و تعیین ناظر بر مصلحت ورثه، هنگام وصیت نکردن میت (۵)..... ۴۵۶
- ب. ناظر بر مصالح مسلمین و تعیین امین، در صورت وفات وصی (۵)..... ۴۵۷
- ج. ناظر بر امور مسلمین و تعیین قیم برای سرپرستی کودک، سفیه و دیوانه (۸)..... ۴۵۸
۳. نظارت بر وصی..... ۴۵۹
- الف. ناظر بر امور مسلمین و تعیین امین برای کمک به وصی ضعیف (۲۸)..... ۴۵۹
- ب. حاکم و تعویض وصی فاسق (۱۴)..... ۴۶۵

- ج. ناظر بر امور مسلمین و تعویض وصی^{۱۴} خانن (۱۴)..... ۴۶۷
- د. حاکم و الزام وصی به اجرای وصیت (۳)..... ۴۶۹
- ه. تحویل بدل مال تلف شده توسط وصی، به حاکم (۱)..... ۴۷۰
- و. کمک امام مسلمین به وصی برای تغییر در وصیت بر امور غیر مجاز و مصرف آن در راه صحیح (۱)..... ۴۷۰
۴. اختلاف اوصیاء..... ۴۷۰
- الف. ناظر بر مصالح و تعیین یکی از اوصیا به عنوان سرگروه و لزوم تبعیت بقیه از وی (۴)..... ۴۷۰
- ب. رجوع به حاکم برای تصرف در امور ضروری میت، در صورت امتناع اوصیا از همکاری (۲)..... ۴۷۱
- ج. حاکم و تعیین مورد مصرف وصیت، در صورت اختلاف اوصیا (۳)..... ۴۷۲
- د. حاکم و حفظ اموال، در صورت اختلاف اوصیا (۲)..... ۴۷۲
۵. تعیین جایگزین برای اوصیاء..... ۴۷۳
- الف. ناظر بر امور مسلمین و تعویض اوصیاء، در صورت ناهماهنگی با یکدیگر (۲۲)..... ۴۷۳
- ب. حاکم و تعیین امین برای کمک به یکی از اوصیاء، در صورت تغییر حال وی (۱۶)..... ۴۷۸
- ج. حاکم و تعیین جایگزین، در صورت وفات یکی از اوصیا (۱۰)..... ۴۸۱
- د. نقش حاکم، در صورت انتخاب دو غیر بالغ به عنوان وصی (۱)..... ۴۸۴
۶. امور کودک..... ۴۸۴
- الف. حاکم و سرپرستی کودک یتیم، در صورت وصیت نکردن میت (۴)..... ۴۸۴
- ب. تصرف حاکم در اموال یتیم، در نبود جد و وصی و یا نفع نبودن آنها (۸)..... ۴۸۵
- ج. وصی و لزوم اذن از حاکم برای تصرف در اموال یتیم و سفیه (۳)..... ۴۸۷
- د. حاکم و اجبار بالغ رشید به دریافت اموال خود از وصی (۱)..... ۴۸۷
۷. دیون میت..... ۴۸۷
- الف. الزام ورثه به ادای دیون میت از ترکه و در صورت امتناع، فروش اموال توسط حاکم (۲)..... ۴۸۷
- ب. لزوم حکم حاکم برای اخذ دین از مال میت، در صورت ولی نداشتن وارث

- غیر بالغ (۱)..... ۴۸۸
- ج. لزوم اذن از حاکم برای پرداخت دین میت از محل طلب وی (۲)..... ۴۸۸
- د. حاکم و پس گرفتن ارث از وارث، در صورت کفایت نکردن ثلث ترکه برای پرداخت دیون میت (۱)..... ۴۸۹
- ه. حاکم و ممانعت وارث از تصرف در ماترک میت، در صورت فراگیر بودن بدهی و غایب بودن مدیون (۱)..... ۴۸۹
۳۱. کتاب نکاح..... ۴۹۱
۱. ولایت بر ازدواج..... ۴۹۱
- الف. ولایت حاکم بر عقد نکاح در بعضی از موارد (۲)..... ۴۹۱
- ب. ولایت حاکم بر عقد نکاح کودک (۳)..... ۴۹۲
- ج. ولایت حاکم بر عقد نکاح مجنون (۱۹)..... ۴۹۳
- د. ولایت حاکم بر عقد نکاح سفیه، در صورت اضطرار (۱۸)..... ۴۹۸
- ه. سلطان و اجبار ولی به اجازه برای ازدواج دختر با هم‌شأن خود، و تزویج وی، در صورت امتناع (۷)..... ۵۰۲
- و. ولایت حاکم بر ازدواج فرزند مسلمان، در صورت کفر پدر و جد (۱)..... ۵۰۴
- ز. حجت و صحیح بودن نکاح، در صورت انجام آن توسط حاکم شرع (۱)..... ۵۰۴
- ح. حاکم و سوگند دادن زن منکر ازدواج، در صورت امتناع مدعی (۱)..... ۵۰۴
۲. عیوب نکاح..... ۵۰۵
- الف. لزوم مراجعه فوری به حاکم، در صورت اختلاف زوجین در وجود عیب (۱)..... ۵۰۵
- ب. حاکم و تعیین مدت یک سال برای روشن شدن وضعیت عنین (۲۰)..... ۵۰۵
- ج. حاکم و الزام زوج به طلاق همسرش، بعد از ثبوت عنین بودن وی (۱)..... ۵۰۹
- د. حاکم و جدایی بین زن و شوهر مجنون (۴)..... ۵۰۹
۳. تعیین مهر..... ۵۱۰
- الف. سلطان و تعیین میزان مهر المثل، در صورت اختلاف زوجین در تعیین مهر (۴)..... ۵۱۰
- ب. حاکم و تعیین میزان مهر، در صورت باکره نبودن زن و اشتراط آن در ازدواج (۲)..... ۵۱۱

- ج. حکم حاکم به پرداخت مهریه، در صورت خلوت کردن زوج با همسرش قبل از طلاق (۲) ۵۱۱
- د. حاکم و اخذ نصف مهر، در صورت ادعای رجوع و دخول در زمان عده توسط زوج و انکار آن توسط زوجه (۳) ۵۱۲
۴. نفقه زوجه ۵۱۳
- الف. امام و اجبار شوهر متمکن به پرداخت نفقه یا طلاق همسرش (۴) ۵۱۳
- ب. حاکم و اجبار شوهر متمکن به پرداخت نفقه همسرش و در صورت امتناع، حبس وی (۶) ۵۱۴
- ج. حاکم و پرداخت نفقه زوجه از اموال زوج، در صورت امتناع وی، حتی با فروش اموال وی (۷) ۵۱۵
- د. حاکم و پرداخت نفقه زوجه مرد غایب از بیت المال (۲) ۵۱۷
- ه. امام و پرداخت نفقه زوجه مرد مفقود، از بیت المال (۱۵) ۵۱۷
- و. حاکم و تعیین میزان نفقه برای زوجه، در صورت تمکین وی و غیبت زوج و امتناع از پرداخت نفقه (۳) ۵۲۲
- ز. لزوم مراجعه به حاکم برای فسخ نکاح، در صورت اعسار زوج از پرداخت نفقه (۲) ۵۲۳
۵. نفقه اقارب و اموال ۵۲۴
- الف. ناظر بر احکام مسلمین و اجبار منفق به پرداخت نفقه (۷) ۵۲۴
- ب. سلطان و اجبار منفق به پرداخت نفقه و سپس حبس وی و در صورت امتناع، تعزیر و پرداخت نفقه، حتی با فروش اموالش (۱۰) ۵۲۵
- ج. لزوم پرداخت نفقه گذشته خادم، در صورت امر حاکم به قرض کردن توسط وی (۷) ۵۲۷
- د. حاکم و اجبار مالک به پرداخت مخارج مملوک یا فروش آن و در صورت امتناع، حبس وی یا پرداخت نفقه، حتی با فروش اموالش (۸) ۵۲۹
- ه. حاکم و الزام مالک حیوان حرام گوشت به پرداخت مخارج یا فروش آن (۱۱) ۵۳۱
۶. نشوز ۵۳۳
- الف. حاکم و تعیین نقه، برای بررسی و تشخیص ناشز (۶) ۵۳۳

- ب. حاکم و انتخاب داور برای بررسی اختلاف زوجین (۲۵)..... ۵۳۵
- ج. حاکم و الزام زوج به طلاق، در صورت اختلاف زوجین و توصیه داوران (۶)..... ۵۴۰
- د. حاکم و الزام زوج به ادای حقوق همسرش (۱۵)..... ۵۴۱
- ه. حاکم و تعیین مراقب برای ممانعت زوج از ظلم به همسرش (۶)..... ۵۴۴
- و. حاکم و اجبار زوجین به تقابض مهر و بضع با هم (۴)..... ۵۴۵
۷. چند همسری، ازدواج اهل ذمه و حضانت..... ۵۴۶
- الف. سلطان و الزام تازه مسلمان به انتخاب چهار نفر از همسرانش و حبس و تعزیر وی،
در صورت امتناع (۶)..... ۵۴۶
- ب. حاکم و امر زوج به رعایت کردن عدالت در بین همسران خود و در صورت امتناع،
تعزیر وی (۱)..... ۵۴۸
- ج. حاکم و اجرای عقد نکاح اسلامی بین کفار، در صورت تقاضای آنها (۱)..... ۵۴۸
- د. حاکم و جدایی بین زن و شوهر ذمی، در صورت محرم بودن با یکدیگر و تقاضای
اجرای حکم اسلام (۳)..... ۵۴۸
- ه. حاکم و انجام قرعه برای تعیین پدر، از بین مالکان کنیز (۳)..... ۵۴۹
- و. حاکم و تعیین اجیر برای نگهداری کودکی که نیمی از وی حرّ است، در صورت
اختلاف مولی و مادر وی (۶)..... ۵۵۰

پیش‌گفتار

تحقیق پیش روی، بخشی از طرح کلی تری در باب «ولایت فقیه» است. ولایت فقیه از جمله مباحثی است که در آن، قلمروهای مختلف تلاقی می‌کنند و به عبارت دیگر، این بحث، بحثی میان‌رشته‌ای است که فقه، فلسفه و کلام در آن شرکت دارند. ولایت فقیه، هم بحثی فقهی است، هم فلسفی (فلسفه سیاسی) و هم کلامی. ولایت فقیه اکنون از اجزای بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

این نکات، همه و همه، تحقیقات بیشتر را در این زمینه طلب می‌کنند. از زمانی که معمار بزرگ جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی ره، نظریه ولایت فقیه را به عنوان مبنای جمهوری اسلامی و نظام سیاسی اسلام مطرح کردند، بحث پیرامون این نظریه حساسیت خاصی یافته است و مقالات، رساله‌ها و کتاب‌های متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآمده که انصافاً نکات بسیاری در آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مخالفان نظریه ولایت فقیه هم رساله‌ها و مقالات بسیاری در رد آن نگاشته‌اند و مسائل بسیاری درباره آن مطرح کرده‌اند. واقعیت این است که تحقیق درباره این نظریه در هر زمان، به تناسب مسائل و شبهات مطروحه، شایسته و بلکه بایسته است.

متأسفانه برخی از مخالفان، در مقام نقادی، از مقام علمی خارج شده و بیشتر تابع احساسات سیاسی خویش گشته‌اند و ناصواب‌تر آن که گاه دعاوی‌ای مطرح کرده‌اند که به لحاظ تاریخی،

کاملاً خطاست. فی المثل گفته شده است: ولایت فقیه بحثی است که از مرحوم نراقی به بعد مطرح شده، یا این که ولایت فقیه در هزاره اول هجری، بحثی سیاسی نبوده و لذا دایره آن، غیر از دایره حکومت بوده است. به گمان ما، همه این دعاوی، بسان بسیاری دیگر، به لحاظ تاریخی، نادرست است. این نادرستی، تنها با مراجعه به آرای فقیهان و استقرای کلمات آنان آشکار می‌شود.

تحقیق حاضر، طرحی است کلی در باب ولایت فقیه که تقریباً پنج سال پیش، با همکاری پنج نفر از دوستان فاضل مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی شروع شد. متأسفانه کار این تحقیق، در قبض و بسط حاصل از اشتغالات دیگر بنده و سایر دوستان، بسیار به طول انجامید. ولی اکنون بارقه‌هایی از انجام این مهم به چشم می‌خورد و امید است به زودی شاهد پایان یافتن این طرح ارزشمند باشیم. طرح حاضر، دارای چهار بخش مهم است:

بخش اول: مباحث کلامی - فلسفی در باب حکومت؛ این بخش، از جهاتی، بر همه مباحث دیگر تقدم دارد. توضیح این جهات، إن شاء الله، در متن تحقیق خواهد آمد.

به لحاظ فلسفی، این پرسش قابل طرح است که «حقیقت حکومت چیست؟». برخی مدعی‌اند که اصلاً تحقیق در ماهیت حکومت نشان می‌دهد که حکومت و ولایت دو امر مختلف و متباینند. باید دید که آیا واقعاً چنین است. برخی از نویسندگان غربی با تفصیل بسیار، بین حکومت (state) و دستگاه اجرایی حکومت (government) فرق می‌گذارند. «هگل» در باب ماهیت حکومت (state) سخنانی گفته است که مورد نقادی‌ها و مناقشات بسیار قرار گرفته است. در هر حال، این خود مسأله‌ای بسیار مهم است.

مسأله دیگر، معیار مشروعیت حکومت‌هاست که از عمده‌ترین مباحث فلسفه سیاسی به شمار می‌رود. اگر کسی مدعی شود که معیار مشروعیت حکومت‌ها رأی مردم یا وکالت از مردم است، طبیعتاً نمی‌تواند ادله درون دینی ولایت فقیه را بپذیرد. بحث مشروعیت حکومت‌ها و الزام سیاسی (اعم از این که دو بحث باشند یا یکی) بحثی دشوار و دقیق است و انسان متعمق را به مرزهای بسیار دیگری همچون فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق می‌کشاند.

بحث دیگر این است که آیا شریعت می‌تواند متصدی حکومت و سیاست هم باشد یا خیر. این بحث از منظرهای مختلفی قابل طرح است و شبهات متعددی نیز در این باب مطرح شده که باید بررسی گردد. این بحث به نحوی به سکولاریزم یا علمانیت پیوند می‌خورد که خود بحثی

دامنه‌دار و پرشبهه است و طبیعتاً مدعیان حکومت دینی باید به آن پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهند و ما امیدواریم بتوانیم در این تحقیق، این مهم را انجام دهیم.

بخش دوم: ادله ولایت فقیه؛ در این بخش عمدتاً روایاتی که برای اثبات ولایت فقها مورد استفاده قرار گرفته است، بررسی می‌شود و طبیعتاً برخی از مبادی تصویری بحث، مثل مفهوم ولایت نیز تبیین و تحلیل می‌گردد.

بخش سوم: مباحث جانبی؛ که عمدتاً برای پاسخ‌گویی به برخی از شبهات در باب ولایت فقیه مطرح شده‌اند، لکن در واقع، هر یک خود بحثی مستقل است، مانند بحث بیعت، امور حسیه، نسبت و کالت و ولایت و امثال آن.

بخش چهارم: استقرا در کلمات فقها و یافتن موارد رجوع به فقیه در سراسر فقه؛ آن‌چه در جلد حاضر و پس از آن می‌آید، در واقع، همین بخش چهارم است و سه بخش پیشین در آینده‌ای نه چندان دور به محضر خوانندگان تقدیم می‌شود.

عمده‌ترین هدفی که در بخش چهارم دنبال می‌شود، یافتن تصویری واقعی و تاریخی از مرجعیت فقها در عرصه عمل و اجراست. این مسأله به وضوح، غیر از ادله اثبات ولایت فقیه است، ولی به آن دسته از نویسندگانی که مدعی‌اند ولایت فقیه پس از مرحوم نراقی مطرح شده است، پاسخی قطعی می‌دهد. نویسنده‌ای گفته است:

از نقطه نظر تاریخی نیز، ولایت به مفهوم کشورداری به هیچ وجه در تاریخ فقه اسلامی مطرح نبوده است و این مطلب نزد احدی از فقهای شیعه و سنی مورد بررسی قرار نگرفته است که فقیه علاوه بر حق فتوا و قضا، بدان جهت که فقیه است، حق حاکمیت و رهبری بر کشور یا کشورهای اسلامی یا تمام کشورهای جهان را نیز دارا باشد. کمتر از دو قرن پیش، برای نخستین بار مرحوم ملا احمد نراقی، معروف به فاضل کاشانی، معاصر فتحعلی شاه قاجار و شاید به خاطر حمایت و پشتیبانی از پادشاه وقت، به ابتکار این مطلب پرداخته است.^۱

مختصر نگاهی به تتبع مبسوط این تحقیق نشان می‌دهد که این سخنان چقدر واهی و دور از تحقیق و فحص است. در موارد بسیاری، فقها احکامی را به حاکم، سلطان، ولی، فقیه و... ارجاع داده‌اند که مقصود در آنها، فقیه جامع الشرائط بوده است و بر این معنا هم تصریح کرده‌اند.

۱. حکمت و حکومت، ص ۱۷۸.

بخشی از موارد در مقدمه همین کتاب آمده است. به عنوان مثال، شیخ مفید می‌نویسد: اگر سلطان عادل حضور نداشته باشد، وظایف و اختیارات ایشان را فقیه عادل به عهده می‌گیرد: «وإذا عدم السلطان العادل - فیما ذکرناه من هذه الأبواب - كان لفقهاء أهل الحق العدول من ذوي الرأي والعقل والفضل، أن يتولوا ما تولاه السلطان».^۱

علامه حلی با بیان این که سلطان، یکی از کسانی است که ولایت بر امر نکاح دارد، تصریح می‌کند که مراد از سلطان، امام عادل یا مأذون ایشان است و شامل فقیه امین نیز می‌شود: «المراد بالسلطان هنا: الإمام العادل أو من يأذن له الإمام ويدخل فيه الفقيه المأمون القائم بشرائط الإقتداء والمحکم».^۲

همچنین، شهید ثانی با تصریح بر این که مراد از حاکم، فقیه جامع شرایط فتواست، بر این مطلب ادعای اجماع می‌کند: «والمراد بالحاكم حيث يطلق في أبواب الفقه، الفقيه الجامع لشرائط الفتوى إجماعاً».^۳

با وجود این تصریحات، چگونه می‌توان ادعا کرد که احدی از فقهای شیعه و سنی نگفته است فقیه علاوه بر حق فتوا و قضا، حق حاکمیت و رهبری بر کشوری را دارد؟! در هر حال، کار مهمی که در این دو جلد صورت گرفته است، فراهم آوردن مجموعه‌ای از کلمات فقها برحسب کتب فقهی است که در آنها به نحوی تمثیل امور بر عهده فقیه دانسته شده و به گونه‌ای ولایت وی در آن فصل پذیرفته شده است. مسأله سعه و ضیق این ولایت، باز مسأله دیگری است که هم از تنصیب فقها قابل استفاده است و هم از استقرای موارد رجوع به آنان.

همان‌طور که گفته شد، هدف اصلی این بخش از طرح، استقرای آرای فقها در موارد متعدد بوده است و کمترین فایده این کار، دفع این شبهه است که ولایت فقیه نظریه‌ای است برخاسته از گرایشهای سیاسی و آن هم از دو قرن پیش به بعد (!) و گرنه رجوع تاریخی به آرای فقها فواید دیگری هم دارد؛ از جمله استدلال آنان بر ولایت فقیه در موارد مختلف که به برخی از آنها در مقدمه اشاره شده است.

۱. المقننة، ص ۶۷۵ (ر.ک: همین کتاب، ص ۴۵۱، شماره ۱۴۵۶).

۲. تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۵۹۲.

۳. مسالك الأنفهام، ج ۴، ص ۱۶۱ (ر.ک: همین کتاب، ص ۳۴۱، شماره ۱۰۷۷).

درباره چگونگی انجام یافتن این تحقیق و نکات اجرایی طرح، برادر فاضل و پرتلاش ما، جناب آقای محمد علی قاسمی که بیشتر سنگینی کار بر دوش ایشان بوده است، در مقدمه توضیحات کافی داده‌اند.

در این جا بر خود فرض می‌دانم از تلاش دیگر همکاران این طرح، برادران فاضل و ارجمند، آقایان: سید علی سجادی‌زاده (که علاوه بر تحقیق، کارشناس مشاور دیگر پژوهشگران این طرح بوده‌اند)، محمد علی اکبری، سید جعفر علوی، سید حسین ضیائی و سید رضا موسوی ثابت تشکر کنم که ماه‌ها بر سر یادداشت‌های تهیه شده مباحثه کرده‌اند و در پالایش آنها سهم بسزایی داشته‌اند.

همه دست‌اندرکاران طرح مدعنانند که با همه تلاش‌های انجام شده، کاستی‌های بسیاری ممکن است وجود داشته باشد که عمدتاً ناشی از وسعت کار و تا حدی نو بودن آن است. امید است با تذکر و ارشاد عالمان و محققان، این تحقیق راه کمال را پیماید و مجموعه‌ای فاخرتر فراهم آید.

در خاتمه، از مسئولان محترم دانشگاه علوم اسلامی رضوی، خصوصاً ریاست محترم دانشگاه جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد باقر فرزانه که عنایتی خاص به انجام یافتن این طرح داشته‌اند و نیز از مسئولان، ویراستاران و نمونه‌خوانان محترم مرکز پژوهش کمال تشکر می‌شود. خداوند به همه این بزرگواران توفیق خدمت بیشتر عنایت فرماید.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

صادق لاریجانی

مشهد مقدس - ۱۳۸۴/۶/۴

مقدمه

«ولایت فقیه» از مباحث دشوار و پردامنه فقهی است که باید از جنبه‌های مختلف بررسی شود. در این راستا، استاد گرامی آیه الله صادق لاریجانی طرحی را مشتمل بر چهار بخش به مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی ارائه دادند که در شورای پژوهش دانشگاه تصویب گردید و برای اجرا به گروه پژوهشی فقه و اصول ابلاغ شد. بخش‌های این طرح عبارت است از:

بخش اول: مباحث کلامی- فلسفی در باب حکومت؛ این بخش، از سرفصل‌هایی همانند «مفهوم دولت و حکومت»، «حکومت دینی»، «مشروعیت حکومت‌ها (الزام سیاسی)» و «ولایت فقیه: بحثی فقهی یا کلامی- فلسفی» تشکیل شده است.

بخش دوم: ادله ولایت فقیه؛ در این بخش دلیل‌هایی که برای اثبات ولایت فقها مورد استفاده قرار گرفته است، بررسی می‌شوند و طبیعتاً برخی از مبادی تصویری بحث، مثل مفهوم ولایت، نیز مورد بحث قرار می‌گیرد.

بخش سوم: مباحث جانبی، که عمدتاً برای پاسخ‌گویی به برخی از شبهات در باب ولایت فقیه مطرح شده‌اند و لکن در واقع، هر یک خود بحثی مستقل است، مانند بحث تزامم ولایت‌ها، امور حسیه، ولایت و جمهوریت و امثال آن.

بخش چهارم: استقرا در کلمات فقها و یافتن موارد رجوع به فقیه در سراسر فقه. برای تحقیق و نگارش بخش چهارم، مقرر شد که عرصه‌های مطرح شده برای ولایت فقیه در کتاب‌های فقیهان مطالعه، جمع‌آوری و تنظیم شود.

از جمله ضوابطی که در انتخاب عبارت‌ها از کتاب‌های فقهی لحاظ شده، این است که می‌بایست در متن عبارت، به تصریح، از شخصیتی (فقیه، حاکم، امام و...) که عهده‌دار آن مسئولیت یا اختیار شمرده می‌شود، نام برده شده باشد. لذا، اگر در مواردی مشاهده می‌شود که بعضی از فرع‌های فقهی، از کتاب‌های اندکی آورده شده است، این بدان معنا نیست که آن فرع در دیگر کتاب‌های فقهی مطرح نشده است، بلکه بدین معناست که در کتاب‌های دیگر، ذکری از آن شخصیت به میان نیامده است.

هم‌چنین، سعی شده است که هر عبارتی با احتمال دلالت بر به عهده گرفتن امور توسط فقیه، انتخاب شود تا گستره بیشتری از عبارات فقیهان در معرض دید محققان قرار گیرد، هر چند در پاره‌ای از موارد، احتمالات دیگری هم قابل طرح می‌باشد.

پس از جست‌وجو و انتخاب عبارت‌ها، با مطالعه کامل و دقیق هر یک از آنها و لحاظ مطالب قبل و بعد آن، مفهوم آنها استخراج شده و به صورت مختصر و در قالب عنوان، در ابتدای آنها نگارش یافته است. هدف از تهیه این عناوین، آماده‌سازی ذهن خواننده برای مطالعه کامل عبارت و برداشت سریع و راحت‌تر مفهوم آن بوده است. همچنین، با توجه به این که عبارات فقیهان از میان مباحث و باب‌های مختلف فقهی انتخاب شده است، ملاحظه عنوان می‌تواند محتوای عبارات را نیز مشخص کند و آنها را از ابهام خارج سازد. مطالب مربوط به این بخش، در چند فصل تنظیم شده است:

فصل اول «واژگان و دلایل عمومی»: دو مبحث ذیل در آن مطرح شده است:

مبحث اول «بررسی واژگان»: با توجه به این که یافتن عرصه‌های ولایت فقیه در متون فقهی، هدف اصلی این تحقیق بوده است، اما با مراجعه به متون انتخابی، واژه فقیه در موارد اندکی مشاهده می‌شود و در بیشتر موارد، واژه‌های دیگری مانند «حاکم»، «امام»، «سلطان» و... به کار رفته است. با توجه به این نکته، ممکن است این سؤال مطرح شود که بیان شئون امام و سلطان چه ارتباطی با فقیه دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، واژگان به کار رفته در عبارت‌ها از جهت مفهومی و مصداقی به تفصیل بررسی گردیده و با استناد به عبارات متعددی از فقیهان، سعی

شده است مفهوم و مصداق آنها در عبارات مورد بحث روشن شود. در این فصل، دربارهٔ واژگانی همچون «حاکم»، «امام»، «فقیه»، «سلطان»، «ناظر»، «نائب الغیبه» و «والی» بحث شده است.

مبحث دوم «دلایل عمومی ولایت فقیه از منظر فقیهان»: برخی از نویسندگان پاره‌ای ادلهٔ عمومی، همانند نیابت فقیه از امام و ولایت حاکم بر ممتنع را مستند فرع فقهی مورد نظر دانسته‌اند و با تطبیق آنها بر موارد جزئی، بسان تطبیق کلی بر افرادش، حکم هر مورد را مشخص ساخته‌اند. این نوع دلیل‌ها در نه گروه تنظیم شده است: نصب فقیه، نیابت از امام، وکالت از امام، ولایت، ولایت بر ممتنع، ولایت بر غایب، نظارت، آگاهی بیشتر و وکالت و نیابت از مالک. در ذیل هر گروه، نخست توضیح مختصری دربارهٔ آن ارائه گردیده و سپس به چند نمونه به صورت تفصیلی اشاره شده است. در ادامه، قسمتی از عبارت‌های انتخابی که به این دلیل در آنها استناد شده، همراه با مأخذ آنها ذکر گردیده است. در صورت نیاز به متن کامل عبارت، می‌توان با استفاده از شماره‌ای که در آغاز هر مورد در میان کروشه آمده است، آن را در فصل بعد مشاهده کرد.

فصل دوم «عرصه‌های ولایت فقیه در باب‌های مختلف»: در این فصل که عمده‌ترین و حجیم‌ترین فصل کتاب است، عبارت‌های انتخابی با توجه به عنوان آنها، به صورت موضوعی و در ذیل ۴۹ باب فقهی تنظیم شده‌اند. موضوعات ذیل هر باب فقهی، در دو یا چند مبحث دسته‌بندی شده (۱۳۰ مبحث) و عبارت‌های مرتبط با هر مبحث، با توجه به تناسب مفهومی در ذیل دو یا چند عنوان (۶۵۳ عنوان) قرار گرفته‌اند.

فصل سوم «فهرست عبارت‌ها براساس کتاب و تاریخ تألیف»: در این فصل، عبارت‌ها بر مبنای کتاب و تاریخ تألیف آن ارائه شده‌اند. از آن‌جا که عبارت‌های انتخاب شده از هر کتاب، در فصل دوم در باب‌های مختلف فقهی پراکنده شده‌اند، برای این که امکان بررسی آرا و نظریات یک فقیه فراهم باشد، لازم بود که آرای وی در یک جا و در کنار هم قرار داده شود. بدین منظور، در فصل سوم کتاب، عبارت‌ها بر مبنای مؤلف، کتاب و تاریخ تألیف آن تنظیم شده‌اند تا محققان بتوانند با مراجعه به هر قسمت، امکان بررسی و ارزیابی آرای هر یک از فقیهان را به صورت جداگانه داشته باشند. در این بخش، برای پرهیز از تکرار، عبارت‌های انتخابی ذکر نشده و فقط به ذکر عنوان، آدرس و شمارهٔ آن در فصل قبل اکتفا شده است. در

صورت نیاز به متن کامل آن، می‌توان با استفاده از شماره ابتدای آن، به فصل قبل مراجعه و آن را ملاحظه کرد.

نتایج تحقیق: از جمله نتایج و دستاوردهای این تحقیق می‌توان به دو مورد مهم اشاره کرد:
 ۱. پیشینه تاریخی ولایت فقیه: همان‌طور که اشاره شد، محدوده زمانی این تحقیق، از نخستین قرن پس از شروع غیبت تا قرن سیزدهم است. با ملاحظه آن‌چه در این تحقیق آمده است، به خوبی آشکار می‌شود که از همان آغاز، در مباحث و کتاب‌های فقهی، عرصه‌هایی برای ولایت فقیه ذکر شده است و در قرن‌های بعد، با گسترش باب‌ها و مباحث فقهی، این عرصه‌ها گسترش بیشتری یافته است؛ بدین ترتیب، این مطلب که نظریه ولایت فقیه در چند قرن اخیر مطرح شده و در نزد فقیهان پیشین جایگاهی نداشته، صحیح نیست.

۲. گستردگی عرصه‌های ولایت فقیه: ممکن است برخی تصور کنند که قلمرو ولایت فقیه، محدود به چند باب فقهی و دارای مصادیق اندک است، اما این تحقیق نشان می‌دهد که عرصه‌های ولایت فقیه، گستره‌ای به اندازه تمام فقه دارد و این موضوع تقریباً در تمام ابواب فقهی مطرح شده است.

برای آشنایی خوانندگان محترم با شیوه و چگونگی انجام تحقیق، ذکر نکاتی چند ضروری به نظر می‌رسد:

۱. محدوده بررسی در این تحقیق، از کتاب المقنع شیخ صدوق متوفای سال ۳۸۱ هجری قمری تا کتاب القضاء مرحوم میرزا محمد حسن آشتیانی متوفای سال ۱۳۱۹ هجری قمری است. در این محدوده زمانی، ۱۱۳ عنوان کتاب در ۳۴۴ جلد بررسی گردیده و در نهایت، ۳۲۰۱ عبارت از ۷۷ عنوان کتاب، تألیف ۴۰ نویسنده، تهیه شده است. در این نوشتار، به غیر از کتاب مفتاح الکرامه، دیگر کتاب‌ها از برنامه رایانه‌ای المعجم الفقهی استفاده شده است.
۲. ابواب فقهی براساس کتاب شرایع الإسلام تنظیم شده است، اما از آن‌جا که در شرایع ۵۲ باب وجود دارد و بعضی دیگر از کتاب‌ها چهار باب دیگر را هم افزوده‌اند، این ابواب در جای مناسب خود اضافه شده و تعداد ابواب به ۵۶ باب افزایش یافته است. در انتها، هفت باب فقهی شامل ابواب «حواله»، «عطیه»، «کفارات»، «جعله»، «ایمان»، «نذر» و «صید و ذباجه» به دلیل ذکر نشدن عبارتی در ذیل آنها، حذف شده و تعداد ابواب به ۴۹ باب رسیده است. ضمناً هر باب فقهی، به تناسب عبارت‌های ذیل آن، به چند بحث کوچک‌تر تقسیم شده است.

۳. در تنظیم مطالب سعی شده است عبارت‌های هماهنگ و متناسب، در ذیل یک عنوان ذکر شوند، گرچه ممکن است از جهت مفهومی، کاملاً با هم یکسان نباشند.

۴. در نقل عبارت از کتاب‌هایی که به صورت شرح و متن هستند، در مواردی که عبارت کتاب متن، ناقص بوده، در پاورقی به صورت کامل ذکر شده است.

۵. برای جلوگیری از تکرار، عناوینی که با عنوان عبارت قبل کاملاً همسان بوده، حذف شده است؛ لذا عبارت‌هایی که عنوان ندارند، همان عنوان عبارت پیشین برای آنها صادق است.

۶. شاید این سؤال مطرح شود که چرا بعضی از فرع‌های فقهی از کتاب‌های اندکی نقل شده و آیا در کتاب‌های دیگر، این فرع ذکر نگردیده است؟

در پاسخ - همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم - باید گفت: در انتخاب عبارت‌ها این ملاک مورد نظر بوده که عنوان «امام»، «حاکم» یا عناوین دیگر در متن کتاب ذکر شده باشد؛ لذا از آوردن عبارت‌های متعددی خودداری شده، گرچه اصل فرع در آن کتاب مطرح شده است. از جمله در «کتاب الشریکه» عبارت‌هایی با عنوان «حاکم یا امین وی و اجبار به تقسیم مال مشاع، در صورت مطالبه یکی از شریکان و فقدان ضرر» از پنج کتاب تهیه شده است، اما این بدان معنا نیست که این فرع فقهی در کتاب‌های دیگر مطرح نشده است، بلکه در تعدادی دیگر از کتاب‌های فقهی مطرح شده، اما به دلیل فقدان ملاک مورد نظر، عبارتی از این کتاب‌ها تهیه نشده است. مثلاً محقق در شرایع الإسلام می‌فرماید:

در مواردی که تقسیم مال مشاع، باعث ضرر و زیان مالکان نمی‌شود، با درخواست یکی از آنها، دیگری موظف به همکاری برای تقسیم آن است و اگر امتناع کند، مجبور به پذیرش تقاضای شریک دیگر می‌شود.

كُلٌّ مَا لَا ضَرَرَ فِي قِسْمَتِهِ، يَجِبُ الْمَتَمِّعُ مَعَ التَّمَّاسِ الشَّرِيكَ الْقِسْمَةَ.^۱

در این جا اصل فرع مطرح شده است، اما چون در عبارت مشخص نگردیده که چه کسی شریک را اجبار می‌کند، این عبارت انتخاب نشده است.

همچنین، علامه حلی در ارشاد الأذهان این فرع را مطرح می‌کند: «وکل من طلب القسمة مع انتفاء الضرر، أجبر الممتنع».^۲ اما به دلیلی که اشاره شد، این عبارت در زمره عبارت‌های مربوط به

۱. شرایع الإسلام، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲. ارشاد الأذهان، ج ۱، ص ۴۳۳.

این موضوع ذکر نگردیده است؛ در حالی که از مجمع الفائدة که در شرح ارشاد نگاشته شده، عبارتی با عنوان «حاکم یا امین وی و اجبار به تقسیم مال مشاع، در صورت مطالبه یکی از شریکان و فقدان ضرر» انتخاب گردیده است؛ چرا که محقق اردبیلی در شرح عبارت علامه می‌نویسد:

در این جا اجبار توسط حاکم یا امین وی صورت می‌گیرد.
 علی تقدیر الإجبار، فالظاهر أن الجبر هو الحاكم بنفسه أو بأمينه، فيكلف بذلك من يقوم مقامه، كما في سائرهما.^۱

۷. در برخی از عبارات‌های انتخابی واژه امام آمده است که تعدادی از آنها، ظهور در امام معصوم دارند و مراد از بعضی دیگر واضح نیست، اما می‌توان از دو استدلال ذیل نتیجه گرفت که شئون امام درباره فقیه نیز صادق است:

اول. تعابیری که درباره فقیه در عبارات بزرگان آمده، نشان می‌دهد که وی در جایگاه امام است و در نتیجه، کلیه امور مربوط به امام را به عهده می‌گیرد. محقق کرکی می‌نویسد:

فقیهان اتفاق نظر دارند که فقیه در عصر غیبت، نایب امام علیه السلام در تمام امور قابل نیابت است. اتفق أصحابنا علیهم السلام على أن الفقيه العدل الإمامي الجامع لشرائط الفتوى، المعبر عنه بالمجتهد في الأحكام الشرعية، نائب من قبل أئمة الهدى عليهم السلام في حال الغيبة، في جميع ما للنيابة فيه مدخل.^۲

محقق اردبیلی پس از ذکر کلام مرحوم علامه درباره پرداخت زکات فطره به فقیه در عصر غیبت، متذکر می‌شود:

از این عبارت می‌توان استفاده کرد که حکم فقیه همان حکم امام است؛ لذا همان طور که تحویل زکات به امام موجب برائت ذمه می‌شود، تحویل آن به فقیه نیز همین اثر را دارد. فيفهم من كلامه أن حكم الفقيه حكم الإمام عليه السلام وكذلك في زكاة المال، فيكفي الدفع إليه ويبرئ الذمة في الحال في نفس الأمر.^۳

صاحب جواهر در مورد تحویل خراج به فقیه در عصر غیبت آورده است:
 تردیدی در جواز پرداخت خراج به فقیه نیست، چرا که تحویل به وی همانند تحویل به امام

۱. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۰، ص ۲۱۳ (ر.ک: همین کتاب، ص ۳۶۵، شماره ۱۱۶۳).

۲. رسائل الكركي، ج ۱، ص ۱۴۲ (ر.ک: همین کتاب، ص ۷۵۳، شماره ۲۵۱۸).

۳. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۴، ص ۲۷۳ (ر.ک: همین کتاب، ص ۱۴۷، شماره ۲۵۸).

است و منصب وی همان منصب ایشان است. والظاهر، أن اقتصار الأصحاب في المقام على بيان حكمه [الخراج] في يد الجائر، لمعلومية حاله في يد الفقيه، الذي يده كيد الإمام وقد أتكلوا في بيان ذلك على ما ذكره في غير المقام، من أن منصبه منصب الإمام.^۱

دوم. در اکثر این عبارات، واژه امام همراه با «منسوب» و یا «نایب» به کار رفته است و از آنجا که فقیهان در موارد متعددی تصریح کرده‌اند که فقیه، منصوب و نایب امام است، وظایف و اختیارات امام را به عهده می‌گیرد. از جمله شهید ثانی درباره مشروعیت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت اظهار می‌دارد:

حتى اگر حضور امام یا منصوب وی را در عصر غیبت برای جواز اقامه نماز جمعه شرط بدانیم، باز هم اقامه آن جایز است، چرا که فقیه در همه امور، منصوب امام می‌باشد. لأن الفقيه الشرعي منصوب من قبل الإمام عموماً.^۲ همچنین علامه حلی در باب زکات می‌گوید:

زکات در عصر غیبت به فقیه پرداخت می‌شود، چرا که نایب امام علیه السلام است و هر آنچه را از شئون امام باشد، به عهده می‌گیرد. ولو تعذر الإمام، فالأولى صرفها [الزكاة] إلى الفقيه المأمون، وكذا حال الغيبة؛ لأنه أعرف بمواقعها، ولأنه نائب الإمام علیه السلام، فكان له ولاية ما يتولاه.^۳

در بحث دوم از فصل اول، همه موارد مربوط به نصب فقیه توسط امام و نیابت وی از ایشان به تفصیل ذکر شده است.

۸. برخی از عبارات برای رعایت تناسب در ابواب فقهی، به باب متناسب با موضوع خود منتقل شده‌اند؛ از جمله، علامه حلی در باب «امر به معروف» می‌نویسد: وللفقهاء الحكم بين الناس مع الأمن من الظالمين، وقسمة الزكوات والأخماس، والإفتاء بشرط اجتماعهم لصفات المفتي.^۴

این عبارت با عنوان «فقیهان و صدور حکم و فتوا» به باب «قضا» منتقل شده است. همچنین، موارد مربوط به تعزیرات که در ابواب مختلف فقهی پراکنده است، همه به باب

۱. جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۹۴ (ر.ک: همین کتاب، ص ۶۶۵، شماره ۲۱۵۲).

۲. روض الجنان، ص ۲۹۰ (ر.ک: همین کتاب، ص ۱۰۹، شماره ۹۶).

۳. نهاية الأحكام، ج ۲، ص ۴۱۷ (ر.ک: همین کتاب، ص ۱۱۸، شماره ۱۳۰).

۴. قواعد الأحكام، ج ۱، ص ۵۲۵ (ر.ک: همین کتاب، ص ۷۳۵، شماره ۲۴۴۷).

«حدود و تعزیرات» منتقل شده است؛ از جمله، شیخ مفید در باب «قصاص» آورده است:
إذا قتل ولده عمداً، عاقبه السلطان عقوبة موجعة، وألزمه الدية على الكمال لورثته، سوى
الأب القاتل على ما شرحناه.^۱

این عبارت با عنوان «سلطان و تعزیر پدر، در صورت قتل فرزند و الزام وی به پرداخت دیه»
به باب «حدود و تعزیرات» منتقل شده است.

شیخ طوسی نیز در باب «صوم» کتاب مبسوط می‌نویسد:
ومن قامت عليه البينة بأنه أفطر في رمضان متعمداً لغير عذر، سئل هل عليك في ذلك حرج؟
فإن قال: لا، وجب قتله، وإن قال: نعم، عزّره الإمام بغليظ العقوبة. فإن فعل ذلك مرأت وعزّر
فيها دفعتين، كان عليه القتل.^۲

این عبارت با عنوان «امام و تعزیر مقطر روزه ماه رمضان و قتل وی در مرتبه سوم» به باب
«حدود و تعزیرات» منتقل شده است.

۹. مطالب میان گروه [] توسط مؤلف این اثر و برای توضیح عبارت‌ها اضافه شده است.
۱۰. شماره‌ای که میان پرانتز () در سمت چپ عناوین در فهرست آمده است، بیانگر تعداد
عبارت‌های انتخابی است که در ذیل هر یک از عناوین ذکر شده است.
۱۱. در آدرس عبارت‌ها، به ذکر نام کتاب‌ها بسته شده و مشخصات کامل آنها در کتاب‌نامه
آمده است.

۱۲. شاید به ذهن برسد با توجه به این که عبارت‌های انتخابی از کتاب‌های فقیهان به زبان عربی
است، مناسب بود که عناوین و سایر فصل‌های کتاب نیز به زبان عربی نگارش می‌شد، اما
برای این که خوانندگان بیشتری امکان بهره‌مندی از مطالب کتاب را داشته باشند، عناوین و
سایر فصل‌ها به زبان فارسی نگارش شد؛ ضمن این که در صورت نیاز، در آینده، با ترجمه
قسمت‌های فارسی، کتاب به زبان عربی منتشر خواهد شد.

۱۳. کتاب فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه در دو جلد به محضر خوانندگان محترم تقدیم
می‌شود و بخش‌ها و فصل‌های دیگر طرح، همانند «ولایت در لغت، قرآن و سنت»، «ادله
ولایت فقیه» و... این شاء الله در جلد‌های دیگر، در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

۱. المقننة، ص ۷۴۹ (ر.ک: همین کتاب، ص ۸۵۳ شماره ۲۹۶۶).

۲. المبسوط، ج ۱، ص ۲۷۴ (ر.ک: همین کتاب، ص ۸۵۷ شماره ۲۹۸۶).